

ده نقطه عطف مهم در زندگی جمشید آموزگار در دوران پهلوی

۱۵ آبان ۱۳۹۵ ساعت ۹:۲۱

در تیرماه سال ۱۳۵۶، شاه که با نارضایتی روزافزون عمومی و مشکلات فراوان اقتصادی مواجه بود، امیرعباس هویدا را از سمت نخست وزیری برکنار و پست وزارت دربار را به وی داد و آموزگار را به نخست‌وزیری برگزید. در واقع شاه برآن بود که با طرح وعده «گسترش فضای باز سیاسی از طریق وارد کردن اعضای جدید و جوان کابینه» درصدد جلب نظر مخالفان برآید و در همین خصوص دولت آموزگار را سکوی پرش به دوره «آزادی، پیشرفت و دموکراسی» اعلام کرد.

جمشید آموزگار، از نخست وزیران دوره پهلوی، دانش آموخته حقوق و اقتصاد دانشگاه تهران و فارغ التحصیل مقطع دکترای مهندسی هیدرولیک از دانشگاه کرنل که وزیر کشور و رئیس اجلاس اوپک در تهران بود. آموزگار از جمله سیاستمدارانی بود که هم خود او و هم پدرش اکثر سالهای عمر را در خدمت رژیم پهلوی سپری کردند. او بعد از هویدا به مدت یک سال نخست وزیر ایران بود.

۱- ازدواج

آموزگار در اواخر اقامت خود در آمریکا با دختری به نام «اولریش» که آلمانی الاصل و تبعه آمریکا بود و در دانشگاه تحصیل می کرد پیوند زناشویی بست، اما صاحب اولادی نشدند. همسر وی در نخستین سال‌های ازدواج به بیماری استخوان دچار شد و غالباً در بستر بیماری بود. تلاش شوهرش برای بهبود او به جایی نرسید. وی زنی ساده دل و محزون بود، به کارهای نیکو و خدمت به بشر میل و رغبتی فراوان داشت. در چند سالی که در ایران اقامت داشته، هیچ گونه عملی از او دیده نشده که مغایر با موازین اخلاقی بوده باشد و هیچ گاه به عکس بسیاری از همسران رجال سیاسی در امور کشور دخالت نمی کرده است.

۲- همکاری با اصل چهار ترومن

پس از جنگ بین الملل دوم، آمریکا برای تحکیم پایگاه خود در ایران و توسعه و گسترش نفوذ در این منطقه، سازمانی به نام اصل ۴ تأسیس کرد. ظاهراً هدف این سازمان دادن کمک‌های بلاعوض به دولت ایران برای برنامه‌های عمرانی بود. ولی در پشت پرده، پایگاهی برای اعمال سیاست خاص آمریکا در ایران بود. کارکنان ایرانی این سازمان فارغ التحصیلان دانشگاه‌های آمریکا بودند. جمشید آموزگار وارد اصل ۴ شد و پس از مدتی کوتاه، معاونت اداره مهندسی بهداشت که در تخصص او بود، به وی واگذار شد.

آموزگار جزء اولین دسته از جوانان طرفدار آمریکا بود که شغل سیاسی نسبتاً مهمی در حکومت گرفت و آن شغل معاونت وزارت بهداری بود.

۳- پیدا کردن راه اولین پله های ترقی

دکتر جهان‌شاه صالح که خود تحصیلکرده آمریکا و از طرفداران سیاست آن کشور در ایران بود، وزارت بهداری را بر عهده داشت. وی در سال ۱۳۳۴ جمشید آموزگار را به معاونت خود برگزید و به این ترتیب اولین سنگ شالوده ترقی سیاسی آموزگار گذاشته شد. در اسناد لانه جاسوسی آمده است:

«در سال ۱۹۵۵ به عنوان معاون وزارت بهداری برگزیده شد. انتصاب او به دو دلیل لیاقت خودش و جلب پشتیبانی پدرش در مجلس سنا از بعضی برنامه های وزارتخانه بود. آموزگار عضو ثابت هیئت های شرکت کننده در کمیسیون پیمان اقتصادی بغداد بود و در سال ۱۹۶۵ رهبری گروه کار کمیسیون را به عهده داشت. روشن بینی، حضور قدرتمندانه و نقطه نظرهای مترقیانه اش برجستگی او را نشان داد. وی همچنین کمیته را در کنفرانس ۱۹۵۸ آنکارا رهبری نمود و در نهمین و یازدهمین کنگره جهانی بهداشت شرکت جست.»

جمشید آموزگار سه سال در سمت معاونت وزارت بهداری بود، آنگاه ارتقاء مقام یافت و در ۱۳۳۷ در کابینه منوچهر اقبال به وزارت کار منصوب گردید. در سال ۱۳۳۸ سمت او در کابینه تغییر یافت و از وزارت کار به وزارت کشاورزی رفت، قانون اصلاحات ارضی را به تصویب رسانید و تا نیمه سال ۱۳۳۹ در آن سمت باقی بود.

۴- وارد شدن به کابینه هویدا

دولت منصور، دولتی با چهره های جوان متمایل به امریکا بود که با ترور او برچیده شد و آموزگار در دولت جدید به ریاست امیرعباس هویدا در سال ۱۳۴۳ به وزارت بهداری منصوب شد. در اردیبهشت ۱۳۴۴ از طرف نخست وزیر هویدا به وزارت دارائی، که وزیر نداشت، منصوب شد و قریب ۸ سال در رأس این وزارتخانه قرار داشت و قانون جدید مالیات بر درآمد را از تصویب مجلس گذراند.

آموزگار تا سال ۱۳۵۴ در این وزارت فعال بود. در دوران وزارت دارائی، امور مربوط به قیمت‌گذاری نفت و اوپک برعهده وی نهاده شد و به طور مستقیم با شاه در ارتباط بود. در این سمت بود که با مسئله نفت آشنا شد و نمایندگی ایران در مجامع بین المللی درمورد تولید و قیمت نفت به او سپرده شد. تدریجاً در این مقام شهرت زیادی در دنیا به دست آورد.

آموزگار که خود داعیه نخست وزیری داشت، در دوران وزارت دارائی همیشه با هویدا در جنگ و جدال بود و کارهای وزارت دارائی

را مستقلاً انجام می‌داد. مبارزه پنهانی آن دو پس از چند سال علنی شد، اما هویدا توانست بخش مهمی از سازمان‌های وابسته به وزارت دارائی را از قلمرو وزارت او جدا کند و از قدرت اجرایی وزارت او به طرز محسوسی بکاهد.

۵- عملکرد ناموفق در وزارت دارایی

آموزگار در وزارت دارایی با مشکلات عدیده‌ای مواجه بود و مدارک موجود نشان می‌دهد که گروه عمده کارشناسان و مدیران ارشد وزارت دارایی نسبت به اقدامات آموزگار در آن وزارتخانه اظهار نارضایتی می‌کردند و رشته تخصصی آموزگار را که هیدرولیک و بهداشت آب بود، برای اداره یک وزارتخانه مالی، مناسب نمی‌دانستند. شکوائیه‌ها و اعلامیه‌هایی از طرف کارمندان آن وزارتخانه در این دوران انتشار یافت که حاکی از سوء مدیریت، ارتشاء و سوء استفاده در بخش‌های مختلف وزارت خانه از جمله اداره وصول و تشخیص مالیاتی بود.

تبعیض و توصیه‌های غیر قانونی برای معافیت مالیاتی افراد خاص، خروج ۱۷ میلیون دلار از پول کشور و واریز کردن به حساب شخصی خود در بانک سوئیس در ۱۳۴۸ش، انتصاب منسوبین خود به مشاغل مهم از جمله سرטיפ آزموده - دایی اش - به مقام ریاست کل گمرکات کشور و تعیین برادرش - جهانگیر آموزگار - به عنوان رئیس هیئت اقتصادی ایران در امریکا و اظهار ناتوانی در برخورد قاطع با نقش هزار فامیل در وزارتخانه و موارد دیگر، نکات مورد توجه زندگی آموزگار است.

۶- نزدیک شدن به منظومه محدود قدرت شاه

واگذاری مسئولیت محاسبات محرمانه سازمان برنامه و بودجه و چند وزارتخانه بدون اطلاع سرپرست سازمان برنامه و بودجه به آموزگار و همچنین انتخاب وی به عنوان مشاور نفتی از جانب شاه، قدم‌های مهمی برای پذیرش مسئولیت‌های آتی بود. واگذاری چنین مسئولیت‌های مهم، رسمی یا غیر رسمی به آموزگار، وی را به تدریج به منظومه محدود قدرت نزدیک کرد.

در سال ۱۳۴۶ آموزگار در مقام یک کارشناس اقتصادی ایران به مجمع سالانه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول راه یافت و در همانجا به ریاست مجمع سالانه بانک مذکور انتخاب شد. اما مسئولیت مهمی که موجب شهرت بین‌المللی آموزگار شد، ریاست هیئت نمایندگی ایران در اجلاس‌های اوپک بود. این سمت در واقع از زمان ورود وی به جمع مشاوران شاه آغاز گردید.

با تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در آغاز دهه چهل، برای تعیین قیمت و حجم تولید نفت توسط یازده کشور نفت خیز دنیا، آموزگار هم در جمع کسانی قرار گرفت که طرف مشاورت با شاه قرار می‌گرفتند.

محمدرضا پهلوی، تصمیم گیری درباره نفت، امور خارجه و دفاع را در شخص خود متمرکز کرده بود و برای هر یک از این زمینه ها، مشاورانی در اختیار داشت.

۷- نقش آفرینی موثر در اوپک

در سال ۱۳۵۰ش، آموزگار با حفظ سمت (وزارت دارایی) ریاست هیئت نمایندگی ایران را برای شرکت در دومین اجلاسیه اوپک از جانب شاه برعهده داشت. در این اجلاسیه که آموزگار به ریاست آن انتخاب شده بود قیمت نفت با چند برابر افزایش به تصویب اجلاسیه رسید. این افزایش که با ریاست آموزگار همزمان شده بود به عنوان پیروزی سران اوپک از جمله شخص آموزگار تلقی شد، و این برای اولین بار بود که در شرایط خاص بین المللی، کشورهای صادرکننده نفت قادر شدند درباره نرخ نفت تصمیم بگیرند.

از این پس آموزگار با حفظ سمت به عنوان ریاست هیئت ایرانی در اجلاسیه های سران اوپک شرکت می کرد. این دوران با افزایش تقاضای روزافزون غرب برای نفت و در نتیجه موفقیت اوپک در تعیین قیمت بر مبنای تقاضای نفت همزمان بود که بی تأثیر از بحران های سیاسی و نظامی بین المللی نبوده است. این وضع شهرت فراوانی برای آموزگار به همراه داشت. در سال ۱۳۵۲، به همراه دیگر وزرای نفتی جهان در کنفرانس اوپک در وین توسط کارلوس، چریک طرفدار نهضت آزادی بخش فلسطین گروگان گرفته شد و سرانجام با وساطت های جهانی پس از دو روز آزاد شد. او پس از آزادی، جان خود را در راه اعلیحضرت همایونی بی ارزش خواند! جمشید آموزگار در سال ۱۳۵۲، به عضویت در هیئت امنای دانشگاه تهران منصوب شد و در دی ماه همان سال ریاست اجلاس اوپک در تهران را عهده دار شد.

۸- تصدی وزارت کشور

تصدی آموزگار در مقام وزارت کشور گامی دیگر از زندگی سیاسی وی محسوب می شود. در هفتم اردیبهشت ۱۳۵۳ امیرعباس هویدا، نخست وزیر، در ترمیم کابینه یازده وزیر جدید معرفی کرد. در این تغییر جمشید آموزگار به وزارت کشور و سرپرستی سازمان امور استخدامی منصوب شد.

کار وی مستقیماً زیر نظر شاه قرار گرفت و در این دو مسئولیت مهم استقلال پیدا کرد و تا حدی از زیر نفوذ نخست وزیر (هویدا) خارج شد. مسائل نفتی و شرکت در مجامع بین المللی اوپک کماکان با او بود.

در وزارت کشور مستقلاً دست به انتصاب های زیادی زد و معاونین وزارت کشور و استانداران را تغییر داد، ولی در این تغییرات ناتوان ترین، بی اطلاع ترین و بی تجربه ترین افراد را برای معاونت و استانداری انتخاب کرد؛ بطوری که پس از مدتی کوتاه به اشتباه خود پی برد و برای جبران دست به انتصابات دیگری زد، اما چون انتصابات را با رأی مستبدانه خود و بدون مشورت با مشاوران

خبیر انجام می‌داد، انتصابات دومش نه تنها جبران اشتباه اول را نکرد، بلکه بر شدت بحران مشکلات وزارت کشور نیز افزود.

۹- خوش خدمتی به شاه در نقش دبیر کلی حزب رستاخیز

پس از تأسیس حزب رستاخیز در سال ۱۳۵۴ توسط شاه، آموزگار در سمت وزیر کشور و بعد در مقام مشاور اجرایی نخست وزیر مراتب حزبی را به سرعت طی کرد. در چهارم بهمن سال ۱۳۵۴ مسئول هماهنگی خدمات شهری در حزب شد و بالاخره در ششم آبان ۱۳۵۵، بعد از هویدا به عنوان دومین دبیر کل «حزب رستاخیز ایران» و مشاور نخست وزیر به کنگره حزب معرفی گردید.

۱۰- نخست وزیری آموزگار

در تیرماه سال ۱۳۵۶، شاه که با نارضایتی روزافزون عمومی و مشکلات فراوان اقتصادی مواجه بود، امیرعباس هویدا را از سمت نخست وزیری برکنار و پست وزارت دربار را به وی داد و آموزگار را به نخست‌وزیری برگزید. در واقع شاه بر آن بود که با طرح وعده «گسترش فضای باز سیاسی از طریق وارد کردن اعضای جدید و جوان کابینه» درصدد جلب نظر مخالفان برآید و در همین خصوص دولت آموزگار را سکوی پرش به دوره «آزادی، پیشرفت و دموکراسی» اعلام کرد.

آموزگار مامور تشکیل کابینه شد. او اعضای کابینه خود را از تکنوکرات‌های بی تجربه انتخاب کرد یا شاید اینها را به او تحمیل کردند. دوران صدارت وی یک سال بود. برنامه دولت او فضای باز سیاسی، صرفه‌جویی، مهار کردن بحرانهای اقتصادی اعلام شده بود و نمایشی برای خاموش کردن نارضایتی‌های گسترده مردم بود ولی این نمایش نیز برای رژیم پهلوی پایان خوشی نداشت.

در عرصه بین‌المللی، با پیروزی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ۱۲ آبان ۱۳۵۵، حمایت نامحدود خارجی از بعضی سیاست‌های رژیم کاهش چشمگیری یافت. دولت هویدا دیگر مورد حمایت دمکراتها نبود. به علاوه شاه برای پیروزی جمهوری خواهان هزینه فراوانی کرده بود و این امر وی را بیشتر در مقابل انتقادات دمکراتهای آمریکا قرار داد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۱۳۶/دوره-آموزگار-در-جمشید-زندگی-مهم-عطف-نقطه-ده-۲۱۱۳۶>